

## تحلیل امکان استقرار دانش و اطلاعات بومی و محلی کشاورزان از دیدگاه بهره‌برداران بخش کشاورزی (مطالعه موردی استان قزوین)

مهرنوش میرزایی<sup>۱</sup>، صفت الله رحمانی<sup>۲</sup>، محسن شوکت فدایی<sup>۳</sup>، ابوذر پرهیزکاری<sup>۴</sup>

### چکیده

دانش بومی که دانش محلی، سنتی و یا قومی نیز نامیده شده، برای تعریف و طبقه‌بندی پدیده‌ها در محیط‌های فیزیکی، طبیعی و اجتماعی خاص به‌کاربرده می‌شود. این دانش با دانشی که افراد جامعه از طریق مراکز رسمی مانند دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقات دولتی و خصوصی کسب می‌کنند، تفاوت دارد. مردمان محلی، از قبیل کشاورزان، رعایا، زنان، پیشه‌وران روستایی و دامداران هر یک صاحب فنون تخصصی خود هستند که هر یک پاسداران دانش بومی هر ملت‌اند. این فنون و معلومات بومی در نگاه اول آسان و ساده به نظر می‌آیند ولی همین روش‌های ساده، روستاییان محروم را قادر ساخته است تا با استفاده از منابع بسیار محدود زندگی خود را تأمین کنند. دلیل انتخاب استان قزوین این است که دشت قزوین با ۴۶۰ هزار هکتار وسعت یکی از چهار دشت بزرگ و حاصلخیز ایران است. آثار به‌جامانده از این دشت، بیانگر سابقه سکونت و کشت و زرع ۱۰ هزارساله بشر در این منطقه است. در این استان بیشتر فعالیت‌های مردم در عرصه کشاورزی با فرهنگ، تاریخ و تمدن استان گره‌خورده است. هدف از اجرای این پروژه بررسی امکان پیاده‌سازی دانش بومی و اطلاعات بهره‌برداران کشاورزی و بررسی نقاط ضعف و قوت، محدودیت‌ها و پتانسیل‌های مدیریت دانش و اطلاعات بهره‌برداران است. برای رسیدن به این هدف در سطح بهره‌برداران از ۹۰ بهره‌بردار نمونه پرسشنامه‌هایی تکمیل و سپس تحلیل توصیفی انجام شد. نتایج نشان داد که کلیه بهره‌برداران مورد مطالعه به اهمیت استقرار دانش بومی و توجه به آن واقف هستند و تمایل دارند این دانش به‌صورت نظام‌مند در کشاورزی به کار گرفته شود.

واژه‌های کلیدی: دانش بومی، مدیریت، بهره‌برداران

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری و عضو هیات علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان قزوین

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری و عضو هیات علمی سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی

<sup>۳</sup> دانشیار و رئیس گروه اقتصاد کشاورزی و مدیریت دانشگاه تهران

<sup>۴</sup> دانشجوی دکتری و سرباز وظیفه مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان قزوین

## مقدمه

اطلاعات بومی و محلی در عرصه کشاورزی و توسعه روستایی نه تنها به عنوان یکی از اصلی‌ترین نهاده‌ها و سرمایه‌ها تلقی می‌شود، بلکه کارترین عامل ارتقای بازده و اثربخشی در دیگر منابع تولید و توسعه به شمار می‌آید. فن‌آوری اطلاعات به عنوان بسترساز اطلاع‌رسانی شاید بزرگ‌ترین فرصت برای پژوهشگران و سیاست‌گذاران بخش کشاورزی محسوب شود. بهره‌برداری از این فرصت که نیازمند ابزار، دانش و مهارت است، در شرایط کنونی کشور، یکی از اساسی‌ترین ضرورت‌هاست (کریمی، ۱۳۹۱).

دانش و اطلاعات بهره‌برداران در بخش کشاورزی را می‌توان به سه گروه طبقه‌بندی کرد، الف- اطلاعات و دانش فنی که شامل اخبار، اطلاعات و دانش به‌کارگیری روش‌ها و ابزار در مراحل مختلف تولید است، ب- اطلاعات مدیریتی، شامل اطلاعات تصمیم‌سازی و سیاست‌های بخش که برای مدیران، مراکز دست‌اندرکار توسعه و برنامه‌ریزی و خصوصی کاربرد دارد و پ- اطلاعات اقتصادی، که مربوط به امور بازرگانی و تجاری چون قیمت‌ها، نوسان‌ها و روندهای آن‌ها و صادرات و واردات است که برای کاربران زراعی، موسسه‌های تجاری، واسطه‌ها و مصرف‌کنندگان محصولات کشاورزی ارزشمند است (امیرحسینی و نوروزی، ۱۳۸۴).

دانش بومی که دانش محلی، سنتی و یا قومی هم نامیده شده، برای تعریف و طبقه‌بندی پدیده‌ها در محیط‌های فیزیکی، طبیعی و اجتماعی خاص به‌کاربرده می‌شود. این دانش با دانشی که افراد جامعه از راه مراکز رسمی مثل دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقات دولتی و خصوصی کسب می‌کنند، تفاوت دارد. دانش بومی دانشی است که منحصر به جامعه و فرهنگ خاصی است و مبنایی اطلاعاتی برای تصمیم‌گیری به شمار می‌آید. تحقیقات پیرامون دانش بومی بر این واقعیت تأکید دارد که ما بسیاری از فعالیت‌های کشاورزی را از افراد بومی فرامی‌گیریم (عمادی و عباسی، ۱۳۸۸).

تعاریف متعددی از دانش بومی ارائه شده است که برخی مشابه و برخی متناقض هستند. در اغلب این تعاریف، واژه‌هایی نظیر نظام‌های دانش بومی، دانش فنی بومی، بوم‌شناسی یا علم قومی، علم محلی، علم سنتی و علم روستایی به چشم می‌خورد. این واژه‌ها، عموماً یک احساس منفی از دانش بومی در شخص ایجاد می‌کنند و به‌طور ضمنی مفاهیمی از ایستایی و سکون، محافظه‌کاری و واپس‌گرایی و نظایر آن‌ها را با تعریف دانش بومی قرین می‌سازد. هرچند که واژه‌های متفاوتی برای معرفی دانش بومی به‌کاربرده شده است، ولی نکته قابل توجه آن است که در اغلب جوامع روستایی هر منطقه، دانش ژرف و دقیقی وجود دارد که به شناخت موقعیت‌های فرهنگی و محیط‌های اجتماعی این جوامع مرتبط می‌شود. به نظر می‌رسد که عبارت «دانش مردم روستایی» از میان دیگر تعاریف گویاتر باشد. منظور از مردم روستا، کشاورزان و خریداران نهاده‌ها و فروشندگان محصولات کشاورزی و غیره است. کلمه مردم در عبارت فوق‌الذکر بر این نکته تأکید دارد که این دانش در سینه مردم وجود دارد و کمتر مکتوب شده است (پاریاب و همکاران، ۱۳۸۸).

دانش بومی برخلاف دانش رسمی که جزءنگر و تخصص‌گرا است، با شناختن روابط بین اجزای طبیعت به‌صورت همه‌جانبه نیروهای طبیعی کره زمین را بهتر به ما می‌شناساند و راه را برای تعامل با طبیعت هموار می‌کند. پژوهشگران دانش بومی پی برده‌اند که بومیان برخلاف آنچه که قبلاً تصور می‌شد نادان نیستند. دانش ژرف و گسترده بومیان از محیط طبیعی و اجتماعی خود از راه مطالعه نوشته‌ها به دست نیامده است، بلکه از طریق مشاهده، تفکر و انتقال از نسلی به نسل دیگر حاصل شده است. پژوهشگران دانش بومی دریافته‌اند که در بیشتر موارد دانش بومیان در مورد اشیاء و پدیده‌های طبیعی و اجتماعی از آنچه که در دانشگاه‌ها قابل کسب است، وسیع‌تر و جامع‌تر است. تمرکز

بومیان بر روابط بین اجزای طبیعت و کنش و واکنش بین نیروهای آن، دانش آنان را به نگرشی سیستمی و کل‌نگر تبدیل کرده است؛ بنابراین، یک کشتزار هرچند کوچک، از دیدگاه یک فرد بومی، بخشی از نظام بزرگ هستی است که از یک سو تحت تأثیر نیروهای طبیعی و ماورا طبیعی و از سوی دیگر تابع باورهاست. این دانش ژرف نسبت به طبیعت و نیروهای آشکار و نهفته آن، بومیان را قادر ساخته است تا نسل‌های پیاپی خوراک، پوشاک و مسکن خویش را با ابزار ساده خود در طبیعت جستجو کند. بی‌شک قدمت و تداوم فرهنگ‌های بومی درگرو این دانش جامع بوده است که بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی طی قرون متمادی را میسر ساخته است. پژوهشگران دانش بومی معتقدند که توسعه پایدار بدون بهره‌گیری از دانش بومی و مشارکت بومیان امکان‌پذیر نیست (عمادی و عباسی، ۱۳۸۸).

با توجه به هزینه‌بر و غیربومی بودن دانش نوین و مستهلک شدن دانش بومی کشاورزان به دلیل عدم توجه به آن باگذشت زمان، به‌عنوان مشکل اساسی در فرآیند تولید محصولات کشاورزی، در این راستا هدف کلی این مطالعه، بررسی امکان پیاده‌سازی مدیریت دانش در بین بهره‌برداران کشاورزی است که اهداف اختصاصی آن شامل، بررسی پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های موجود در پیاده‌سازی مدیریت دانش بومی کشاورزان منطقه، بررسی موانع و مشکلات موجود در راه تبادل اطلاعات و دانش بومی بهره‌برداران، بررسی مزیت‌های بهره‌برداری از دانش بومی در راستای توسعه کشاورزی پایدار از دیدگاه کارشناسان است. به‌طورکلی، اهداف زیر در این تحقیق مدنظر می‌باشند:

- ۱ - بررسی وضعیت موجود دانش و اطلاعات بهره‌برداران کشاورزی در استان قزوین
- ۲ - بررسی پتانسیل‌های و ظرفیت‌های موجود در پیاده‌سازی مدیریت دانش بومی در استان قزوین
- ۳ - بررسی میزان دسترسی بهره‌برداران به تبادل اطلاعات در استان قزوین
- ۴ - بررسی موانع و مشکلات موجود در راه تبادل اطلاعات و دانش بومی بین بهره‌برداران استان قزوین
- ۵ - بررسی مزایای بهره‌برداری از دانش بومی در راستای توسعه کشاورزی پایدار در استان قزوین
- ۶ - ارائه راهکار و مدل مؤثر در زمینه بهبود، ارتقاء و پیاده‌سازی مدیریت دانش بومی و اطلاعات نخبگان بخش کشاورزی در استان قزوین

۷ - در اواسط دهه ۱۹۸۰ نگرش جدیدی بنام اولویت‌بخشی به کشاورز مطرح شد که تا حد زیادی زمینه توجه به دانش بومی را افزایش داد. این نگرش که بر شنیدن و یادگرفتن از مردم تأکید دارد، مشارکت فعال مردم محلی را در فرایندهای توسعه و تحقیق مورد تأکید قرار می‌دهد. قبل از استفاده از این روش، درک فرهنگ جامعه روستایی به نحوی دیگر بود و چنین تصور می‌شد که مردم روستا از نظر اقتصادی، سیاسی، نوآوری و انتقال آن، خلق دانش و استفاده از آن در جوامع روستایی شکست‌خورده‌اند (FAO, 2000).

۸ - در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ سازمان ملل طی قطعنامه‌ی شماره‌ی ۱۶۴، سال ۱۹۹۳ را به عنوان سال بین‌المللی مردم بومی جهان اعلام کرد. هدف از آن توسعه‌ی همکاری‌های بین‌المللی به منظور طرح و بررسی مسائل و مشکلات مردمان بومی جهان بوده است، مشکلات مطرح‌شده شامل، وضعیت نامطلوب حقوق انسانی، توسعه، آموزش، بهداشت و محیط‌زیست آنان بوده است (Kolawople, 2001).

در طی دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ که اوج اجرای پروژه‌های عظیم توسعه در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه بوده است، کسی را جرأت پیش کشیدن مزایای استفاده از دانش بومی نبوده و آن را به‌عنوان روش‌های سنتی کهنه و بیهوده نادیده می‌گرفتند؛ اما به تدریج نشانه‌های ناپایداری در فرایندهای توسعه صنعتی کم و بیش آشکار گردید و

مجدداً توجه دانشمندان را به دانش‌ها و روش‌های تولید کشاورزی بومی و تأثیرات بهار خاموش برانگیخت (FAO, 2000).

بارانی و همکاران (۱۳۹۱)، به بررسی دانش بومی گیاه‌شناسی گیاهان دارویی منطقه چهارباغ از مراتع استان گلستان پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که افراد مسن و سالخورده روستاها، عشایر، دامداران و چوپانان باتجربه، دانشی از محیط اطراف خود به‌ویژه گیاهان دارند. با از بین رفتن هر یک از آن‌ها، چه مرد و چه زن، بخش عمده‌ای از اطلاعات بومی و محلی از دسترس خارج می‌شود. پس به نظر می‌رسد ثبت و نگهداری این اطلاعات که به سرعت در حال نابودی‌اند، لازم و ضروری است.

جمعه پور (۱۳۹۱)، مطالعه‌ای تحت عنوان بومی‌سازی در عرصه توسعه روستایی و نقش دانش بومی در فرایند آن داشته است. وی در مطالعه با ذکر نمونه‌هایی از تکنیک‌ها و روش‌های سنتی که با توسعه پایدار روستایی سازگاری زیادی دارند. آن‌ها نشان داد که بومی‌سازی اطلاعات در این عرصه در واقع نگهداری و تقویت روش‌های بومی سازگار با شرایط جامعه و سرزمین است. این مفهوم در عرصه کشاورزی احیاء روش‌های بومی و محلی‌ای است که از بین رفته یا در شرف نابودی کامل می‌باشد.

پاریاب و همکاران (۱۳۸۸)، در مطالعه‌ای دانش بومی کشاورزی را راهکاری جهت مبارزه با خشک‌سالی دانستند. در این تحقیق که با استفاده از مطالعه منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و مصاحبه با روستاییان دهستان درز - سایبان (از توابع مرکزی شهرستان لار در جنوب استان فارس)، انجام شده، سعی شده است به تعریف خشک‌سالی، توضیح آثار خشک‌سالی، تعریف دانش بومی و راهکارهایی که توسط کشاورزان این دهستان جهت مدیریت خشک‌سالی و کاهش زیان‌های ناشی از آن بکار گرفته شده است، پرداخته شود.

بوذرجمهری (۱۳۸۲)، به جایگاه دانش بومی در توسعه کشاورزی پرداخته است. وی ضمن تعریف دانش بومی به تفاوت آن بادانش رسمی اشاره کرده است.

## روش تحقیق

روش مطالعه حاضر میدانی و یا پیمایشی می‌باشد. نحوه جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز به صورت شفاهی، با انجام مصاحبه و تکمیل پرسشنامه‌های تنظیمی در سطح بهره‌برداران خبره بخش و کارشناسان (شامل محققین، مروجین و کارشناسان خبره بخش) صورت گرفت. جامعه آماری تحقیق شامل چهار طبقه‌ی دامداران، مرغداران، باغداران و زارعین استان قزوین است. به علت وجود مشکلات متعدد و صرف هزینه‌های زیاد در جمع‌آوری اطلاعات از کلیه بهره‌برداران، در این مطالعه ترجیح داده شد که از روش نمونه‌گیری استفاده شود. برای این منظور از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای طبقه‌بندی شده استفاده شد. بدین صورت که ابتدا هر یک از گروه‌های بهره‌بردار دامدار، مرغدار، باغدار و زارع استان در هر یک از خوشه‌های موردبررسی قرار گرفتند و طبقات موردنظر برای نمونه‌گیری تشکیل شدند. در مرحله بعد، انتخاب بهره‌برداران نمونه به صورت تصادفی از مجموع بهره‌برداران هر خوشه صورت گرفت. به منظور جمع‌آوری داده‌های موردنیاز، در هر یک از پرسشنامه‌های تنظیمی و از قبل تعیین شده سؤالاتی به شرح ذیل مطرح شد:

۱- آیا شما در مراحل مختلف تولید، مدیریت تولید و فروش و بازار رسانی محصول خود از روش‌های سنتی و

قدیمی استفاده می‌کنید؟ (با ذکر موارد)

۲- این دانش قدیمی چگونه به شما رسیده است؟ (با ذکر موارد)

۳- چرا شما هنوز هم از این روش‌ها استفاده می‌کنید؟

- ۴- در مقایسه با روش‌های تولید جدید مزایای روش‌های قدیمی مذکور به تفکیک چیست؟
  - ۵- به نظر شما آیا حفظ دانش قدیمی لازم است؟ چرا؟
  - ۶- به نظر شما چگونه می‌توان به این دانش بومی و قدیمی دسترسی پیدا کرد؟
  - ۷- برای استفاده سریع‌تر و بهتر به این اطلاعات بومی آیا حاضر به همکاری هستید؟ چگونه؟
  - ۸- مشکلات موجود در راستای انتقال و استفاده از دانش بومی چیست؟
  - ۹- پیشنهادات خود را در زمینه‌ی انتقال و استفاده بهتر و سریع‌تر از دانش بومی بیان کنید؟ و ...
- پس از تکمیل پرسشنامه‌ها و استخراج آن‌ها از تحلیل و توصیف داده‌ها انجام شده است در این تحلیل، نقاط ضعف و تهدیدهای فراروی دانش بومی و نقاط قوت و فرصت‌های موجود جهت پیاده‌سازی مدیریت دانش بومی موردبررسی و توصیف قرار می‌گیرد. در نهایت راهکارهای مؤثر و مدل پیشنهادی جهت بهبود و ارتقاء و اصلاح مدیریت دانش بومی بهره‌برداران و بهره‌برداری بهینه از این دانش ارائه خواهد شد.

## نتایج و بحث

پس از استخراج اطلاعات موردنیاز از پرسشنامه‌های تنظیمی، توصیف داده‌ها در جداول ذیل آورد. جدول ۱، نحوه توزیع پاسخ‌گویان را بر اساس استفاده از روش‌های سنتی و بومی در کلیه مراحل تولید تا فروش محصولات کشاورزی نشان می‌دهد. با توجه به این جدول، ملاحظه می‌شود که ۶۱ درصد بهره‌برداران از روش‌های بومی در کلیه مراحل تولید تا فروش استفاده می‌کنند.

**جدول ۱- توزیع پاسخگویان بر اساس استفاده از روش‌های سنتی و بومی در کلیه مراحل تولید تا فروش**

پاسخ	تعداد	درصد
بلی	۴۸	۶۱
خیر	۳۰	۳۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۲، نحوه توزیع بهره‌برداران مورد مطالعه را بر اساس ترجیح دادن روش‌های بومی به روش‌های مدرن نشان می‌دهد. بر اساس نتایج این جدول، ملاحظه می‌شود که ۶۱ درصد بهره‌برداران روش‌های بومی را به روش‌های مدرن در کشاورزی ترجیح می‌دهند.

**جدول ۲- توزیع بهره‌برداران بر اساس ترجیح دادن روش‌های بومی به روش‌های مدرن**

پاسخ	تعداد	درصد
بلی	۴۹	۶۱
خیر	۳۱	۳۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

### تحلیل امکان استقرار دانش و اطلاعات بومی و محلی کشاورزان از دیدگاه بهره‌برداران ...

جدول ۳، نحوه توزیع بهره‌برداران نمونه را بر اساس روش انتقال دانش بومی به آن‌ها نشان می‌دهد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده ملاحظه می‌شود که انتقال دانش بومی به بهره‌برداران بیشتر از طریق پدران و سپس از طریق مطالعه و تجربه شخصی صورت می‌گیرد.

**جدول ۳- توزیع بهره‌برداران بر اساس طریقه یا روش انتقال دانش بومی به بهره‌بردار**

پاسخ	تعداد	درصد
از طریق پدران	۴۳	۵۰
از طریق دوستان کشاورز	۶	۷
از طریق مطالعه	۱۲	۱۴
از طریق آموزش	۱۱	۱۳
از طریق تجربه خودم	۱۲	۱۴
از طریق اینترنت	۱	۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۴، نتایج حاصل از نظرسنجی بهره‌برداران نمونه را در مورد مزایای دانش بومی نسبت به دانش جدید نشان می‌دهد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده ملاحظه می‌شود که بهره‌برداران مزایای دانش بومی را به ترتیب کم‌هزینه بودن، دسترسی آسان و یادگیری آسان ذکر کرده‌اند.

**جدول ۴- نظرسنجی بهره‌برداران در مورد مزایای دانش بومی به دانش جدید**

موارد پاسخ	تعداد	درصد
کم‌هزینه	۴۹	۴۳
دسترسی آسان	۲۹	۲۶
یادگیری آسان	۲۷	۲۴
مؤثر در افزایش تولید	۸	۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۵، نحوه توزیع بهره‌برداران نمونه را پیرامون روش‌های حفظ دانش بومی و محلی در منطقه نشان می‌دهد. بر اساس نتایج این جدول، ملاحظه می‌شود که بهره‌برداران یکی از روش‌های مهم حفظ دانش بومی را در عمل استفاده کردن از این دانش و سپس انتقال به سایر کشاورزان و مستندسازی و نوشتن آن بیان کرده‌اند.

**جدول ۵- توزیع بهره‌برداران نمونه پیرامون طرق حفظ دانش بومی**

مورد پاسخ	تعداد	درصد
با روش نوشتن	۲۱	۲۰
با روش تهیه فیلم	۱۳	۱۳
با روش استفاده در عمل	۴۱	۴۰
با روش انتقال به دیگر کشاورزان	۲۸	۲۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۶، نظرسنجی بهره‌برداران نمونه را در به دست آوردن دانش بومی نشان می‌دهد. نتایج گویای آن است که بهره‌برداران جهت دسترسی به دانش بومی کار عملی در مزرعه و آموزش را نسبت به سایر ابزار مؤثرتر دانسته‌اند.

**جدول شماره ۶- نظرسنجی بهره‌برداران نمونه بر اساس روش دسترسی به دانش بومی**

پاسخ	تعداد	درصد
از طریق آموزش	۲۷	۲۳
به صورت عملی و کار در مزرعه	۵۹	۵۱
از طریق برنامه رادیویی و تلویزیون	۱۲	۱۰
از طریق کشاورزان همکار	۱۰	۹
از طریق مطالعه کتاب‌ها	۷	۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۷، نحوه توزیع بهره‌برداران نمونه را بر اساس مشکلات موجود در بخش دانش بومی نشان می‌دهد. بر اساس نتایج این جدول، بهره‌برداران بی‌توجهی کارشناسان به دانش بومی، کمبود امکانات موردنیاز و بی‌اطلاعی از اهمیت دانش بومی را از مشکلات پیشروی دانش بومی دانسته‌اند.

**جدول ۷- توزیع بهره‌برداران نمونه بر اساس مشکلات دانش بومی**

پاسخ	تعداد	درصد
دسترسی سخت به آن	۷	۶
بی‌توجهی کارشناسان به دانش بومی	۳۷	۳۰
یادگیری سخت آن	۳	۳
کمبود امکانات موردنیاز	۲۸	۲۵
بی‌اطلاعی از اهمیت آن	۲۶	۲۳
از بین رفتن دانش بومی باگذشت زمان	۱۲	۱۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۸، نظرات بهره‌برداران نمونه را در زمینه مشکلات انتقال و توسعه دانش بومی در بخش کشاورزی استان قزوین نشان می‌دهد. با توجه به نتایج به دست آمده در این بخش، بهره‌برداران در زمینه مشکلات انتقال و توسعه دانش بومی نبود امکانات لازم، نبود برنامه در توسعه دانش بومی و بی‌توجهی کارشناسان و مدیران را مؤثر می‌دانند.

**جدول ۸- نظرسنجی بهره‌برداران در زمینه مشکلات انتقال و توسعه دانش بومی کشاورزی**

درصد	تعداد	موارد پاسخ
۲۵	۲۸	نبود برنامه در این زمینه
۴۳	۵۰	نبود امکانات لازم
۲۳	۲۶	بی‌توجهی کارشناسان و مدیران
۸	۸	مستند نشدن آن

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۹، نظرسنجی بهره‌برداران نماینده را پیرامون افراد مؤثر در حفظ دانش بومی نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، ۴۲ درصد از بهره‌برداران نظر خود را برای افراد مؤثر در حفظ دانش بومی بیان کرده‌اند. بر اساس این جدول خود کشاورزان، کارشناسان و سپس مدیران می‌توانند در حفظ دانش بومی مؤثر باشند.

**جدول ۹- نظرسنجی بهره‌برداران پیرامون افراد مؤثر در حفظ دانش بومی**

درصد	تعداد	موارد پاسخ
۴۲	۴۸	خود کشاورزان
۳۱	۳۵	کارشناسان (مروج- محقق)
۲۱	۲۳	مدیران و برنامه ریزان
۶	۷	جامعه روستایی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۱۰، نظرات بهره‌برداران را در زمینه امکانات لازم جهت حفظ دانش بومی در بخش کشاورزی مناطق روستایی استان قزوین نشان می‌دهد. بر طبق نتایج این جدول، امکانات لازم جهت حفظ دانش بومی شامل ایجاد مرکز اختصاصی در روستاها جهت مستندسازی و نگهداری مستندات، مشارکت بهره‌برداران در جمع‌آوری مستندات و ایجاد تشکیلی در این زمینه، ایجاد مزارع نمونه و فرهنگ‌سازی می‌تواند مؤثر واقع شود.

**جدول ۱۰- نظرسنجی بهره‌برداران پیرامون امکانات لازم جهت حفظ دانش بومی کشاورزی در مناطق روستایی**

درصد	تعداد	موارد پاسخ
۱۶	۱۸	فرهنگ‌سازی
۳۸	۴۲	ایجاد مرکز اختصاصی در روستاها
۲۳	۲۵	ایجاد تشکیلی دانش بومی با حضور بهره‌برداران
۱۷	۱۹	ایجاد مزارع نمونه
۳	۳	مستندسازی آن

مأخذ: یافته‌های تحقیق



## نتیجه‌گیری و پیشنهادات

به طور کلی، نتایج به دست آمده در این تحقیق حاکی از آن است که:

- ۱- با استفاده از دانش و اطلاعات بهره‌برداران به عنوان سرمایه ملی در بخش کشاورزی می‌توان در افزایش مشارکت بهره‌برداران در توسعه بخش و حفظ و پایداری مشاغل کشاورزی و حل مشکلات منطقه‌ای گام برداشت.
- ۲- با استفاده از دانش بومی بهره‌برداران و مستندسازی آن می‌توان اثر تهدیداتی همچون عدم مشارکت بهره‌برداران در حفظ و نگهداری پروژه‌ها و فراموش شدن این سرمایه عظیم را خنثی نمود.
- ۳- با افزایش مشارکت بهره‌برداران و تطبیق روش‌های جدید با روش‌های تولید بومی در منطقه هم اطلاعات گران‌بهای بهره‌برداران به فراموشی سپرده نمی‌شود و هم کارشناسان با نزدیکی به مزارع و بهره‌برداران روش‌های مناسب‌تری را که متناسب با فرهنگ بومی مناطق است پیشنهاد خواهند داد.
- ۴- با مستندسازی دانش بومی و مدیریت آن و توجه به اطلاعات بهره‌بردار در زمینه‌های مختلف از تولید تا فروش محصول می‌توان این دانش را در طول زمان حفظ نمود و مشارکت تولیدکنندگان را در حفظ پروژه‌ها و در نهایت کاهش هزینه اجرای این پروژه‌ها افزایش داد.

در نهایت، نتایج نشان می‌دهد که کلیه بهره‌برداران مورد مطالعه به اهمیت استقرار دانش بومی و توجه به آن واقف هستند و تمایل دارند این دانش به صورت نظام‌مند در کشاورزی بکار گرفته شود. در پایان با توجه به نتایج به دست آمده در این تحقیق پیشنهاد می‌شود که یک مرکز تحقیقاتی تخصصی برای جمع‌آوری و مستندسازی دانش‌های بومی و محلی در استان ایجاد شود و از دانش بومی و محلی بهره‌برداران، به ویژه روستاییان منطقه در جهت تکامل و تحقق اهداف اقتصادی، اجتماعی و سیاستی به نحو بهینه استفاده شود. افزون بر این به منظور تسهیل در چگونگی استفاده و بهره‌برداری از دانش بومی و محلی در برنامه‌های اجرایی و سیاستی، توصیه می‌شود که آموزش‌های لازم برای کارشناسان و مدیران بخش کشاورزی استان در قالب اجرای برنامه‌ها و کلاس‌های تخصصی صورت گیرد. در تحقق اهداف فوق پیشنهاد می‌شود که به مسئله فرهنگ‌سازی در استفاده از دانش‌های بومی و محلی توجه شود و جهت تسهیل در بهره‌برداری از دانش‌های بومی از بهره‌برداران باتجربه استفاده شود.

## فهرست منابع

- ۱- امیرحسینی، مازیار و نوروزی، عسگر، (۱۳۸۴)، ایجاد نظام ملی مدیریت دانش کشاورزی «انتشارات وزارت جهاد کشاورزی».
- ۲- بارانی، حسین، بهمنش، بهاره و شهرکی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، دانش بومی گیاه‌شناسی گیاهان داروئی منطقه چهارباغ از مراتع استان گلستان، فصلنامه دانش بومی ایران، (۲): ۱۴-۲۰.
- ۳- بوذرجمهری، خدیجه، (۱۳۸۲)، جایگاه دانش بومی در توسعه روستایی پایدار، مجله جغرافیا و توسعه، (۳) و (۴): ۲۰-۵.
- ۴- پارباب، جابر، پزشکی راد، غلامرضا و بهجتی، توحید، (۱۳۸۸)، دانش بومی کشاورزی راهکاری جهت مدیریت خشک‌سالی، ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، مشهد مقدس.
- ۵- جمعه پور، محمود، (۱۳۹۱)، بومی‌سازی در عرصه توسعه روستایی و نقش دانش بومی در فرایند آن، فصلنامه دانش بومی، (۱): ۳۶-۲۴.
- ۶- سازمان جهاد کشاورزی استان قزوین، (۱۳۹۱)، گزارش توانمندی‌های استان قزوین، ۳۸ صفحه.

تحلیل امکان استقرار دانش و اطلاعات بومی و محلی کشاورزان از دیدگاه بهره‌برداران ...

۷ - عمادی، محمدحسین و عباسی، اسفندیار، (۱۳۸۸)، دانش بومی و توسعه پایدار، فصلنامه روستا و توسعه.

۸ - کریمی، سعید، (۱۳۹۱)، نقش فناوری‌های اطلاعات کشاورزی، سایت ترویج کشاورزی استان مرکزی.

9- Kolawople, D (2001), Local Knowledge Utilization and Sustainable rural development in the 21 St. Centuries, IK Monitor.

10- FAO (2000), Agricultural Knowledge and Information Systems for Rural Development, [http://www.fao.org/sd/EXdirect/EXre0027, htm](http://www.fao.org/sd/EXdirect/EXre0027.htm).

پژوهش‌نامه کشاورزی و منابع طبیعی

## **Assesment of science establishment and local information of farmes based on user perspectives (A case study of Qazvin province)**

**M. Mirzaee, S. Rahmani, M. Shokat Fadaee, A. Parhizkari**

### **Abstract**

Indigenous knowledge, called local, traditional and tribal knowledge, is used for definining and classifying events in physical, natural and social environments. This knowledge is different from the knowledge that people gain it from formal institutions such as universities and public and private research institutions. Local people maintain local knowledge of nations. Farmers, peasantry, women, rural tradesmen, dairy farmers have their own special techniques. These techniques and indigenous knowledge appears easily and simply at the first glance but this simple method has enabled underserved villagers to supply their own life using limited resources. The reason for choosing Qazvin province is that Qazvin plain is one of the four greatest and richest plains of Iran including 460 thousand hectares. The other feature of this plain is long history of human inhabitation and plantation for 10 thousand years. In this province most of people activities are tied up to culture, history and province civilization in agriculture fields. Our aim is assesment of science establishment and local knowledge and information of agriculture users and is examination of strengths, weaknesses, restrictions and potential of knowledge management and exploiters information. To this the utilization level of 90 subjects was completed questionnaires and descriptive analysis was performed. A sample including 90 farmers completed questionnaires.

**Key words:** Indigenous knowledge, Management, Benefices.